

جمهوری شعر زیر آسمان برلین

علی عبداللہی

گزارش ہفتمین فستیوال شعر برلین (۲۷ می تا ۴ ژوئن ۲۰۰۶)

ہفتمین فستیوال شعر برلین (Poesiefestival berlin) در هوایی ناپایدار و بہاری، زیر نمباری زیبا کہ ناگہان آفتابی کم جان یکدستی آن را بہ ہم می زد، در شہر برلین برگزار شد. سومین سالی بود کہ مهمان این جشنوارہ بودم. جشنوارہ شعر ہر سال بہ ہمت Literaturwerkstatt berlin (کارگاہ ادبیات برلین)، Literaturbrücke و مؤسسات دیگری بہ مدیریت دکتر توماس ولفارت (Thomas Wohlfart) و ہمکاری سایت شعری WWW. Lyrikline. org بہ سرپرستی Heiko Strunk برگزار می شود. حضور من دو دلیل داشت: نخست شرکت در نشست سالیانہ نمایندگان رسمی نوریکی لاین در کشورہای مختلف، برای ارائه کارہای سال پیش و تبادل تجربہ ہا و دستاوردهای ہر حضور و طبعاً طرح دورنمایی از فعالیت ہای سال آتی اعضاء در معرفی شاعران خود بہ مخاطبان آلمانی زبان و شاعران آلمانی زبان و دیگر زبانہا بہ زبان خود. این نشست معمولاً در یکی دو روز ماندہ بہ فستیوال برگزار می شود. دلیل دوم ہم ناگفتہ پیداست: شرکت در رویداد مهم فستیوال شعر برلین.

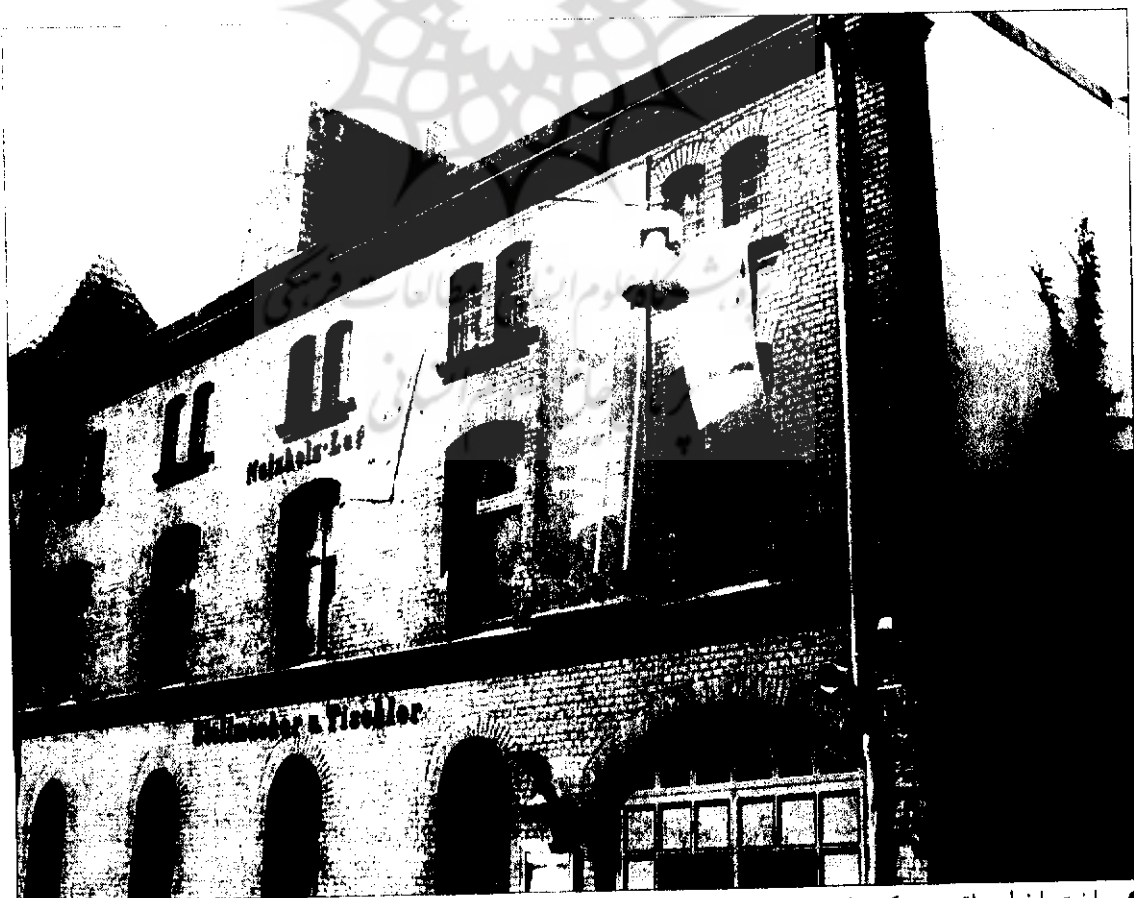
در جلسہ ہای فشرده کاری Lyrikline. org، بجز من نمایندگانی از کشورہای بلاروس، بلژیک، مجارستان، ہندوستان، لتونی، لیتوانی، مقدونیہ، ہلند، نروژ، صربستان، اسلونی، اسلواکی و ترکیہ حضور داشتند. این اعضاء اغلب مدیران انجمن Pen در کشورہای مختلف یا شاعران و سردبیران مجلاتی ہستند کہ با یک هدف مشترک و آن ہم پیشبرد شعر خود در جہان

و شعر جهان در کشور خود، هر ساله گرد هم می‌آیند، در نشست امسال - مثل گذشته - علاوه بر
اعضاء یاد شده، مهمانانی از فستیوال‌ها و سازمان‌های دیگر از کشورهای اتریش، بلژیک،
انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، اسکاتلند، اسپانیا، اسلونی و سوئد حضور داشتند. پس از
معرفی و سخنرانی کوتاه هر کدام از اعضا، دستاوردها، تجربه‌ها، مشکلات و راهکارهای رفع آن
بررسی و به شور گذاشته می‌شود. با هر کدام از اعضا قراردادی رسمی بسته شده که آنها باید
سالانه چند شاعر از سرزمین خود و چند شاعر از طرف آلمانی یا نمایندگان دیگر را به مخاطبان
سایت معرفی کنند. طرف آلمانی، شعرهای شاعران غیر آلمانی را با همکاری هر عضو ترجمه
می‌کند و شاعران آلمانی و دیگر نمایندگان نیز از طرف اعضا به زبان‌های دیگر معرفی و ترجمه
می‌شوند. گفتنی است که از هر شاعر باید دست کم ۵ و حداکثر ۱۰ شعر با صدای خود شاعر و
متن شعر به زبان اصلی، زندگی‌نامه و کارنامه آثار به مسؤلان سایت ارائه و به همان میزان شعر و
شاعر از طرف میزبان به زبان اعضا ترجمه شود. از آنجا که در سالهای گذشته، تعادل میان دو
سوی این معادله معمولاً برقرار نبود، امسال بندهای قرارداد دچار تغییراتی شده بود که به امضاء
دوباره اعضا رسید. طبق این قرارداد، هر نماینده باید سالانه ده شاعر از سرزمین خود را به سایت
معرفی و ده شاعر از شاعران میزبان یا نمایندگان دیگر را به زبان خود ترجمه کند و برای سایت
بفرستد. در این سایت در حال حاضر ۵ تا ۱۰ شعر از ۳۵۰ شاعر، بالغ بر ۳۵۰۰ شعر به زبان
اصلی با صدای شاعر، از ۳۵ زبان و بیش از ۵۰۰۰ (پنج هزار) ترجمه وجود دارد. از ایران تاکنون
شعرهای شمس لنگرودی، حافظ موسوی، رضا چایچی، علیرضا آبیز، علی عبداللهی، ناهید
کبیری، اسماعیل جنتی و چند شعر از احمد شاملو وارد این سایت شده است که بسیاری از آنها
از همان طریق به زبانهای دیگری از جمله انگلیسی، بلاروسی، هلندی، مجاری، ایتالیایی و ترکی
ترجمه شده‌اند و علاوه بر آن به سایت‌ها و گلچین‌های دیگر راه یافته‌اند. از جمله دو شعر از
علیرضا آبیز و ناهید کبیری به مجموعه «باد ما را خواهد برد» به زبان آلمانی راه یافته و ده شعر از
خودم در یکی از مجلات ادبی آلمانی زبان ویژه شعر به زودی منتشر می‌شود. شعرهای
غلامحسین چهکنندی نژاد، محمدحاشم اکبریانی، و محمدحسین عابدی ترجمه شده به زودی
وارد سایت می‌شود و در سال ۲۰۰۶، شعرهای از پونه ندایی، جواد مجابی، علی باباچاهی،
گروس عبدالملکیان، عباس عارف، منصور مؤمنی، علی محمدنجاتی، بهزاد خواجهات، م روان
شید، اسدالله شعبانی (شاعر کودکان) علیرضا بهنام و بکتاش آبتین را به طرف آلمانی سپرده‌ام تا
در سال جاری وارد سایت شود. شعرها را تاکنون دو مترجم برجسته خانم سوزانه باغستانی و
کورت شارف از فارسی به آلمانی برگردانده‌اند و از طرف ایرانی نیز تاکنون صد شعر از شاعران
آلمانی، هلندی، لیتوانیایی و چینی به قلم نگارنده ترجمه شده که در سایت موجود است یا به



● هایکوا شترونگ و علی عبداللهی (۷ خرداد ۱۳۸۵)

۲۵.



● ساختمان لیتراتورو رکشنتات

زودی وارد آن می‌شود.

در نشست روز ۲۶ می مسئله کپی رایت در کشورهای مختلف، حقوق معنوی پدید آورندگان، نحوه گسترش تعداد بینندگان سایت، اضافه کردن لینک‌ها به این سایت، همکاری نمایندگان یونسکو در کشورهای مختلف و در نهایت آمار دقیق از بازدیدکنندگان سایت در سال گذشته، مشکلات فنی و تکنیکی سایت و نوسازی آن و نیز مشکلات دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سایت شعری Lyrikline. org از ماه‌های آخر سال ۱۹۹۹ تأسیس شده و تاکنون (تا مارس ۲۰۰۶) یک میلیون و دویست و هفتاد و پنج هزار و پانصد نفر بیننده از سراسر جهان داشته است. کشورهای آلمان، آمریکا، بازدیدکنندگان نامشخص، اتحادیه اروپا، سوئیس، اتریش، هلند، فرانسه، بلژیک، اسلوانی، کانادا، چین، اسپانیا، استرالیا، لهستان، سوئد، انگلیس، ترکیه، ایتالیا، لیتوانی، عربستان سعودی، مالزی، اکراین، منچارستان و هند به ترتیب جزء بیشترین کشورهای بازدیدکننده از این سایت بوده‌اند. در سال ۲۰۰۵ این سایت، جایزه برتر رسانه‌های اینترنتی را از آن خود کرده است. این جایزه که به آن «اسکار» رسانه‌ها می‌گویند، از جوایز برجسته‌ای است که هر سال به سایت‌های پر بیننده و فعال اینترنتی اهداء می‌شود.

شعار سایت لوریک لاین «شعر برای خواندن، شعر برای شنیدن» است و هدف آن پیشبرد شعر در جهان و گفتگوی فرهنگها و زبانهاست. نماینده ایران نیز با وجود دریافت هیچ کمکی از هیچ مؤسسه‌ای دولتی یا غیردولتی توانسته است تاکنون با کمترین امکانات شاعران پیش کسوت و جوان از طیف‌های مختلف را به جهانیان معرفی کند به طوری که با توجه به دوره فعالیت کوتاهش تاکنون جزء چند نماینده پرکار است و امیدوار است ایرانیان زیادی از سایت بازدیدکنند تا دست کم کشور ایران در شمار کشورهای پر بیننده این سایت قرار بگیرد.

پس از این نشست فشرده یک و نیم روزه، فستیوال شعر رسماً کار خود را آغاز کرد. بنا به رسم هر ساله این جشنواره با شب شعری در هوای آزاد در میدان پوتسدام آغاز می‌شود. اما امسال به خاطر هوای بارانی و نامساعد در سالن بزرگ سرپوشیده‌ای برگزار شد. علاوه بر آن به خاطر همزمانی فستیوال با جام جهانی تاریخ برگزاری آن هم یکماه جلو افتاد. شب شعر از ساعت ۸ تا ۱۲ شب با شعرخوانی ده شاعر برجسته از سراسر جهان ادامه داشت. شاعران شعرهای خود را طبق معمول به زبان اصلی می‌خواندند و ترجمه آنها به آلمانی در کتابچه‌ای چاپ شده بود که در اختیار شرکت کنندگان قرار می‌گرفت. بجز مهمانان، دیگران برای شرکت در این شب شعر باید کتاب را به قیمت چهار یورو و بلیط ورودی را به پنج یورو تهیه می‌کردند.

شاعران این شب شعر عبارت بودند از: گولتن آکین Gulden Akin از ترکیه متولد ۱۹۳۳. شاعر و حقوق‌دان متولد حومه آنکارا که تاکنون آثار زیادی از او منتشر شده است. زنی ریز نقش

و رنجور که می‌گوید ثمره دوران کمالیسم در ترکیه است. مضامین او اجتماعی و شعرهایش در ترکیه بر سر زبانهاست.

هسیایوو Hsia Yu شاعره‌ای از تایوان متولد ۱۹۵۶. او با حرارت شعرهایش را می‌خواند. شعرهای او موزون بود و رگه‌های فمینیستی در آن دیده می‌شد. شاعر دیگر جایانتا مهاپاترا Jayanta Mhapatra شاعری از هند که به زبان محلی و انگلیسی شعر می‌خواند و خودش مترجم شعرهایش به زبان انگلیسی بود. او متولد ۱۹۲۸ است که اولین مجموعه شعرش را در چهل سالگی منتشر کرده است. لبوخان ماشیله Lebogang Mashile شاعره‌ای دیگر از آفریقای جنوبی در آن شب شعر متولد ۱۹۷۹ بود که در آمریکا زندگی می‌کند. او به انگلیسی شعر خواند و شعرهایش بسیار موزیکال و آهنگین بود. شاعره بعدی ساینخو نامچی لاک Sainkho Namtchylak از توآ Tuwa (جمهوری تاتارستان) متولد ۱۹۵۷. او شاعر و آوازخوان است که شعرهایش را به شیوه خاص روی صحنه اجرا می‌کرد. شعرهایش با اجرای خودش منتشر شده‌اند. پترروهمکورف Peter Ruhmkorf شاعر آلمانی این شب بود. او متولد ۱۹۲۹ و یکی از نمایندگان سن و سال دار جنبش شعر کانکریت و زبانی در آلمان است و جایزه هاینریش هانیه و گئورگ بوشنر را دریافت کرده است. سیون Sjon شاعر ایسلندی متولد ۱۹۶۲ یکی از شاعران دیگر این شب، از نسل جوان نویسندگان و شاعران ایسلند، ترانه‌سرای فیلم *Dancer in the Dark* از لارس تریرو و سراینده ترانه بازی‌های المپیک آتن به نام Oceania است. او رمان مشهوری به نام Skugga Baldur به ایسلندی هم دارد.

شاعر دیگر جراللد استرن Gerlald Stern از آمریکا بود. متولد ۱۹۲۵ ساکن نیوجرسی. او جوایز زیادی برای آثارش گرفته و اکنون رئیس آکادمی شعر آمریکا است. شاعر بعدی رافائل اوروالدر Raphael Urweider متولد ۱۹۷۴ از بخش آلمانی زبان سوئیس بود که شعرهای خود را به لهجه آلمانی سوئسی می‌خواند و بیشتر آنها شعرهای زبانی و موزیکال بود. خود او علاوه بر شاعری به تئاتر نیز مشغول است. آخرین شاعر این شب شعر مفصل آدام زاگایفسکی Adam Zagajewski از لهستان بود متولد ۱۹۴۵، یکی از سردمداران «نسل ۶۸» در لهستان. او در کنار چسلاومیوش و ویساوا شیمبورسکا قرار می‌گیرد و شعرهایش حال و هوایی اجتماعی دارند. در این شب شعر ازدحام جمعیت به قدری بود که علاوه بر صندلی‌ها، راهروهای اطراف تالار بزرگ مملو از آدم بود. با پایان این شب شعر از فردای آن یعنی ۲۸ می یک هفته شعرخوانی و بحث در باب شعر آغاز شد که در سالن‌های مختلف در سراسر برلین ادامه داشت. یکی از مهمترین این برنامه‌ها، کلکویوم: «شعر و ترجمه از منظری دیگر» بود. که از ساعت ۱۴ روز ۲۸ می تا ساعت ۱۹ همان شب ادامه داشت. در این نشست در باب ترجمه و شعر، گونترآبل از

poesiefestival berlin 2006

27. Mai – 4. Juni



Weltklang – Nacht der Poesie
Colloquium: Poesie und Übersetzung
Mein Weg in die Welt Gestörtes
Frühstück VERSschmuggel Dicht-
Ma(h)l Poetry-Show für Kinder
Mundstücke La Caution Kaddish
Nachtprogramm Poesiegespräche
Anna Blume trifft Zuckmayer

literatur
WERKstatt
berlin

www.literaturwerkstatt.org

● پوستر هفتمین فستیوال شعر برلین

دانشگاه برلین درباره ترجمه به مثابه تفسیر، رولاند برنکر از کمیسیون یونسکو در آلمان در باب ترجمه پذیری شعر، فریدریش و. بلوک از کاسل درباره ترجمه رسانه‌ای در ماشین‌های دیجیتالی، هندریک م. امریش از هانوفر درباره کارکردهای مغز در ترجمه، اوگون گمرینگر، شاعر شعرهای کانکریت در آلمان، درباره ترجمه‌پذیری شعر و چند و چون آن، دیترا هوبر از دانشگاه ماینتس درباره ترجمه شعر، تفسیرها و دگرگونی‌های احتمالی مترجم، ولفگانگ کوبین مترجم زبان چینی و چین‌شناس از دانشگاه بون در باب ترجمه به صورت عام و توماس پویس در باب ترجمه متون کلاسیک و عهد عتیق، مشکلات آن و لزوم ارائه ترجمه‌های جدید از آنها سخن گفتند.

در سخنرانی شرکت کنندگان یاد شده همواره بر این مسئله تأکید می‌شد که ترجمه فقط برگردان زبان نیست بلکه آفریدن حیاتی دوباره و معنادار کردن اشیاء در زبان دیگر هم هست. و طبعاً این معنادار کردن به تفسیر می‌انجامد چنان‌که ترجمه و تفسیر در هم می‌آمیزند و همزمان با هم انجام می‌گیرند. تغییرات صورت گرفته تنها دخالت عمدی مترجم نیست بلکه از ساختاری خود به خودی پیروی می‌کند و مترجم نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. مخاطب هم نباید آن را عنصر نابجا و زایدی در ترجمه بداند زیرا این تفاوت‌ها نه تنها در کلمات زبان دیگر بلکه در کلمات لهجه‌های مختلف یک زبان هم هست.

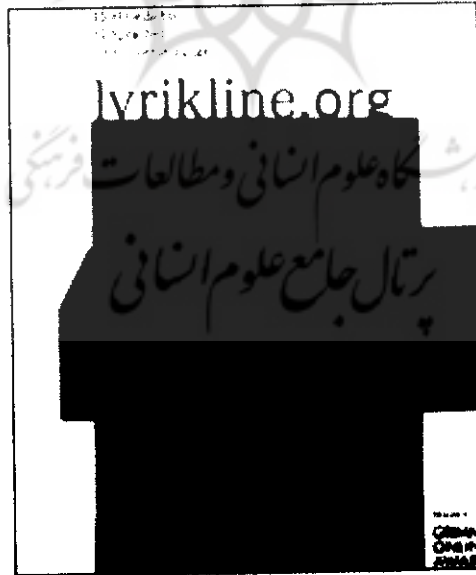
ضمن این که ساختارهای زبان در هر زبانی زمانمند هم هستند و مترجم می‌کوشد در برهه‌ای از زمان، زبان را به واحدهای معنایی دیگر تبدیل کند. در نهایت «خواندن» هم نوعی ترجمه و حتی خواننده هم نیمچه مترجم است. در ادامه این برنامه یکی از سخنرانان تفاوت استراتژی‌های مختلف ترجمه را باعث تفاوت‌های ترجمه می‌دانست. او می‌گفت ترجمه ناپذیری و ابهام در ترجمه نه تنها مانع گفتگو نیست بلکه بافت‌ها و سویه‌های دیگری به متن می‌دهد که به خودی خود امر جالبی است.

از طرفی نیز ترجمه‌ها به گفته یکی از سخنرانان به طور کلی تحت تأثیر تصور متافیزیکی در همه زبانها هستند که نوعی دستور زبانی جهانی است. این دستور زبان متافیزیکی همواره در فرآیند ترجمه و برداشت مترجم از مفاهیم زبانی و تاریخی در کار است.

نهایتاً کوبین نظرات خود را این طور خلاصه کرد که ترجمه کپی نیست بلکه خود یک اصل (Original) است. و ترجمه نه تنها اصل است بلکه اصلی است گاه متفاوت از متن اولیه که موجب تأثیرهای تازه در زبان دیگر می‌شود. و گاهی وقتها مترجم در ترجمه حتی کاستی مؤلف اصلی را تصحیح می‌کند. نهایتاً هر جمله یک تاریخ دارد، همه ترجمه‌ها بویژه ترجمه‌های عتیق و کلاسیک همواره تحت تأثیر سیاست‌ها و زمانه خود بوده و هستند، برای همین همواره باید ترجمه‌های تازه‌تری از آنها ارائه شود، چون سیاستها و زمانه همواره دگرگون می‌شود.



● علی عبداللہی - کولٹن آکین شاعرہ ترک، و مترجمانش (۹ خرداد ۸۵)



ترجمه شعرهای پیندار Pindar به آلمانی نشان می‌دهد که ترجمه شعر تقریباً محال است اما همزمان این را نیز گوشزد می‌کند که همین امر محال هم ضرورت دارد و راه دیگری جز نقب زدن در این محال نیست زیرا فعالیت دیگری جز ترجمه برای کشف کردن ناشناخته‌ها وجود ندارد، چون ناگزیر از گفتگو و کشف هستیم برای شناخت دیگری راه دیگری جز ترجمه نداریم.

گفتنی است که یکی از مصالح بحث مفصل آن روز ترجمه یک شعر از گومرینگر به شش هفت زبان و ترجمه دوباره آنها از آن زبانها به همدیگر و به آلمانی بود. تا میزان دگرگونی متن اصلی در سفر به زبانهای دیگر و برگشت به زبان اصلی و تفسیرهای آن مشخص شود. این شعر از آلمانی به اسپانیایی بعد به آلمانی، از اسپانیایی به ترکی بعد به فارسی بعد به آلمانی، از فارسی به لئونایی و بعد به آلمانی، از لئونایی به انگلیسی بعد به آلمانی، از لئونایی به انگلیسی و بعد به چینی و سرانجام از چینی به آلمانی ترجمه شده بود. ترجمه از ترکی به فارسی با همکاری نگارنده و به قلم رسول یونان و ترجمه از فارسی به آلمانی به قلم سوزان باغستانی انجام گرفته بود. ترجمه شعر به زبانهای اسپانیایی، لئونایی و انگلیسی به خاطر شباهت فرهنگهای آن زبانها به متن اصلی نزدیکتر بود. اما از ترجمه ترکی به بعد تا چینی، متن دچار دگرگونی‌های جالبی شده بود. از ترجمه ترکی به بعد و طبعاً فارسی ساختار شعر کمی تغییر کرده و میان سطرها رابطه‌ای علت و معلولی بوجود آمده بود که در ترکی با «Ke» و در فارسی در «به خاطر این که» و «که» نمود یافته بود. در چینی نیز شعر اساساً لحنی رمانتیک پیدا کرده بود. ضمن اینکه هر چه ترجمه از زبانهای دورتر، غیرمستقیم‌تر و با واسطه بیشتری انجام شده بود، متن بیشتر کش آمده بود، طوری که شاعر هم از این تفسیرها متعجب بود اما تقریباً همه سخنرانان و پژوهشگران انتظار این نتیجه را داشتند و اصلاً شگفتزده نشده بودند. چون می‌دانستند با افزایش فردیت‌ها و تفسیرهای گوناگون و بار بومی کلمات، هر اثری هم که باشد در ترجمه‌های پیاپی دچار تغییر لحن می‌شود. تغییری که در وحله اول ربطی به شعر اصلی ندارد اما از منظری دیگر دقیقاً از دل خود شعر و تفسیرهای دور و پنهان از آن سرچشمه می‌گیرد. موضوع عینی بحث هم در نهایت بررسی علل همین تغییرات و تبیین آن بود. بحث‌ها بسیار گسترده بود که در جای دیگر گزارش مفصلی از همین جلسه با ذکر مثال ارائه خواهم داد.

در روزهای بعد نیز بای داور Bei Dao از چین کاتارینا فورستنسون Katarina Forstenson از سوئد، آشورایش Asher Reich از فلسطین اشغالی، توماژ شالامون Tomaz Salamun از اسلوانی Jan Wagner از آلمان، دیمتسریس چولیاریکس از یونان، اکاترینا یوسیفو از مجارستان، مارتین سولوتروک از اسلوانی، رودولف مارکو از آلبانی، الکساندر دلفینف از روسیه، یولیا کیسینا از اوکراین، نورا لونگا از رومانی، پائولا تاکسریا Paulo Taixria از پرتقال و شاعران دیگری از

صربستان و مونته نگرو، کرواسی، ایرلند، فرانسه و اتریش شعر خواندند و از شعر خود و سرزمین خود با مخاطبان سخن گفتند. در این شعرخوانی‌ها در مجموع ۸۰ شاعر و هنرمند از ۲۸ کشور حضور داشتند و بیش از ۷۵۰۰ نفر در ۴۵ جلسه شعر در طول یک هفته شرکت کرده بودند. شعرخوانی‌ها به زبان اصلی بود اما بحث‌ها به دو زبان آلمانی و انگلیسی انجام می‌شد. در هر جلسه نمایشگاه کوچکی از کتابهای موجود به آلمانی از حوزه زبانی شاعرانی که حضور داشتند، بر پا شده بود.

هفتمین فستیوال شعر برلین با جلسه‌ای در باب شعر و موسیقی با شعرخوانی و موزیک در ساعت ۱۲ شب ۴ ژوئن ۲۰۰۶ برابر با ۱۴ خرداد ۸۵ در برلین پایان یافت.

آنچه در این سه سال شرکت در فستیوال برایم جالب بود، برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی، کیفیت شعرها و شاعران و نیز طیف گسترده شاعران از سراسر جهان بود. آنچه بیش از همه جالب می‌نمود حضور شاعران جوان آلمانی در کنار پیشکسوتان همراه شاعران خارجی همزمان با نشست‌ها بود. این شاعران - چه پیشکسوت و چه جوان - هر ساله تغییر می‌کردند، طوری که نوبت به همه می‌رسید و هر سال شاعرانی توفیق آشنایی و همکاری با شاعران جهان را می‌یافتند.

مسئله دیگر ترجمه شعرها بود که گاه مترجمان سرشناس انجام داده بودند و گاه برای این کار یکی از مردم عادی ساکن در برلین که مثلاً صرفاً زبان رومانیایی می‌داند را برای ترجمه شعرهای رومانیایی پیدا کرده بودند. او ترجمه خامی از شعرها ارائه داده بود و یک شاعر جوان مسئول ترجمه نهایی و شسته رفته شعرها شده بود که با شاعر شعر اصلی در شب شعر حضور می‌یافت و شعر او را به آلمانی‌ها یا تسلط بیشتر معرفی می‌کرد. و از آن به بعد پایه ارتباط بعدی این دو شاعر فراهم می‌شد. بدین ترتیب ترجمه از کوچکترین و گمنام‌ترین زبانها هم با همکاری یک شاعر جوان و تبعه‌ای از آن کشور در برلین که آلمانی می‌دانست به صورت کار مشترک انجام می‌گرفت. جالب‌ترین مسئله قابل توجه (برای ما ایرانی‌ها) تنوع مضامین شعرها و حضور بلامنازع موسیقی در شعر تقریباً همه شاعران شرکت‌کننده در فستیوال بود. به طوری که برخی از آنها شعرهای خود را با موسیقی اجرا می‌کردند و شاعران دیگر، پیدا بود که اهمیت بسیاری به موسیقی - چه عروضی و چه درونی - می‌دهند. حتی گاه در ترجمه هم این عناصر نمود می‌یافت. متأسفانه برخی از ما در ایران با دارا بودن میراث غنی در شعر و موسیقی می‌کوشیم در هر فرصتی به موسیقی در شعر لعن بگوییم و آن را تا حد ممکن دور بیاندازیم.

نکته آخر، حضور بلامنازع زبان ساده و سر راست در شعرهای شاعران و وجود شاعران معناگرا و گونه‌ای ساختار روشن و بدیع و معنادار در شعرهای زبانی شاعران شرکت‌کننده در

فستیوال بود. حال آنکه برخی از ما در هر فرصتی می‌کوشیم به شعری بها بدهیم که انگار در خلاء گفته شده، سر و تهی ندارد و صرفاً به نام معناگریزی آسمان را به ریسمان می‌باقد و با زبان رفتاری ناشیانه و ابزاری دارد. در صورتی که دیریست زمانه این بند بازی صرف در عرصه زبان سپری شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی